

پادشاهی و عهد در عهد جدید

درس
دوم

پادشاهی خدا



THIRD MILLENNIUM

MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

The Farsi translation of “Kingdom and Covenant in the New Testament: Lesson Two: The Kingdom of God”

© 2021 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.**

In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries.

Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: پادشاهی و عهد در عهد جدید (درس شماره ۲: پادشاهی خدا)
حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) خبر خوش

معنا

پادشاهی خدا

حاکمیت پایدار

پادشاهی آشکارشونده

بسط اهمیت

خطای اسرائیل

امیدهای اسرائیل

(۳) آغاز پادشاهی

انتظارات

پیروزی سه‌لایه

شکست

انتقال

(۴) نتیجه‌گیری

پادشاهی خدا

مقدمه

هر بار که یک داستان پیچیده می‌خوانید، ممکن است به سادگی سردرگم جزئیات آن شوید. اما یک راه برای اجتناب از این مشکل، شناسایی بخش‌های مهم‌تر و سپس مراجعه مکرر به آنهاست. با در نظر داشتن عناصر مهم، می‌توانیم ببینیم که چطور جزئیات در کنار هم قرار می‌گیرند. از بسیاری جهات، این مسئله درباره درک الاهیات عهد جدید نیز صدق می‌کند. وقتی به کاوش در این متون کتاب مقدس می‌پردازیم، جزئیات زیادی را کشف می‌کنیم که ممکن است به آسانیکاسه صبرمان لبریز شود. بنابراین، لازم است دقت کنیم تا اندیشه‌های اساسی در عهد جدید را بشناسیم و سپس به دفعات، به آنها مراجعه کنیم.

این دومین درس از مجموعه دروس «پادشاهی و عهد در عهد جدید» است و عنوان «پادشاهی خدا» را به به آن داده‌ایم. در این درس، به یکی از برجسته‌ترین تعالیم عهد جدید اشاره می‌کنیم: پادشاهی خدا.

همانطور که خواهیم دید، موضوع پادشاهی خدا در عهد جدید به قدری اهمیت دارد که با درک صحیح آن، می‌توان الاهیات عهد جدید را الاهیات پادشاهی خواند. به عبارت دیگر، هر آنچه نویسندگان عهد جدید نوشتند، تا حدی به توضیح و پیشبرد پادشاهی خدا اختصاص داشت.

ما از دو منظر به برجستگی پادشاهی خدا در الاهیات عهد جدید خواهیم پرداخت. نخست، به چیزی نگاه خواهیم کرد که نویسندگان عهد جدید آن را خبر خوش، یا انجیل پادشاهی خواندند. و دوم، نشان خواهیم داد که چطور آغاز این پادشاهی بر همه نوشتجات آنها تاثیر گذاشت. این دو مبحث به ما کمک می‌کنند که ببینیم آموزه پادشاهی خدا تمام ابعاد عهد جدید را پشتیبانی می‌کند. بیایید با خبر خوش پادشاهی شروع کنیم.

خبر خوش

هر کسی که با عهد جدید آشنایی دارد، می‌داند که الاهیات آن بسیار پیچیده است. اما اگر یک تعلیم عهد جدید وجود می‌داشت که هر کسی می‌بایست در درک و به‌کارگیری آن در زندگی بکوشد، آن انجیل می‌بود. در حقیقت، بسیاری از ما موافق هستیم که اگر خبر خوش مسیح را درک نکنیم، توانایی ما در درک هر جنبه‌ای از عهد جدید بسیار محدود خواهد بود. اما این موضوع سوالی به وجود می‌آورد. چرا انجیل، یا «خبر خوش» اینقدر در الاهیات عهد جدید اهمیت دارد؟ چرا به وضوح، چیزی فراتر از بسیاری از آموزه‌های موجود در عهد جدید است؟ همانطور که به زودی خواهیم دید، انجیل به دلیل پیوند با تعالیم گسترده‌تری درباره پادشاهی خدا، بسیار مهم است. و این آموزه خبر خوش درباره پادشاهی خدا، همه ابعاد الاهیات عهد جدید را شکل می‌دهد.

ما در سه مرحله به خبر خوش پادشاهی نگاه خواهیم کرد. نخست، معنای خبر خوش را در نظر خواهیم گرفت. دوم، به کنکاشی در مفهوم اساسی پادشاهی خدا خواهیم پرداخت. و سوم، بسط اهمیت این موضوع در تاریخ کتاب مقدس را پیگیری خواهیم کرد. بیایید با معنای خبر خوش پادشاهی خدا شروع کنیم.

معنا

انجیل پادشاهی روشی است برای صحبت درباره خبر خوشی که از طرف پادشاه، خداوند، برای ما اعلام شده است. به طور خاص، وقتی درباره اعلانات عهد جدید درباره عیسی فکر می‌کنیم، این اعلان وجود دارد که «پادشاه آمده است.» اما نه فقط «پادشاه آمده است»، بلکه مقام خداوندی، مقام پادشاهی عیسی اعلام شده است؛ بر این مبنا اعلام شد که مرگ و رستاخیز او، مقام پادشاهی‌اش را تایید کرد. بنابراین، مفهومی وجود دارد که در آن، خبر خوش اعلام چیزیست که قبلاً اتفاق افتاده است. این موضوع پیامدهایی برای نحوه زندگی ما دارد. اما خبر خوش این است که عیسی آمده؛ او به طور اسرارآمیزی، مرگ را با مُردن شکست داد... اینجا مفهومی وجود دارد، برای همین، خدا این خبر خوش را به عنوان چیزی که پیش از این اتفاق افتاده به ما اعلام کرد. با این وجود، هنوز وعده‌هایی وجود دارند که در این خبر خوش محقق شوند، و معانی ابدی خواهند داشت.

– دکتر ریچارد لیتنس

عیسی در لوقا ۴: ۴۳، هدف خدمت خود را اینطور خلاصه کرد:

لازم است که... مژده فرا رسیدن ملکوت خدا را... اعلام کنم (لوقا ۴: ۴۳، ترجمه تفسیری).

اگرچه کلمات «خبر خوش» (مژده در فارسی) فقط یک بار در لوقا ۴: ۴۳ ظاهر می‌شوند، اما در واقع مفهوم خبر خوش دو بار در این آیه نشان داده شده است. عبارت «خبر خوش» از اسم یونانی «ایوانگلیون» (euangelion) می‌آید؛ اصطلاحی که حدود ۷۶ بار در عهد جدید به چشم می‌خورد. ریشه‌شناسی ایوانگلیون نشان می‌دهد که معنای آن چیزی است مثل یک «اعلان خوب» یا یک «پیام خوب».

اما دقت کنید که عیسی در این آیه همچنین گفت که باید این مژده را «اعلام» کند. فعل یونانی‌ای که «اعلام» ترجمه شده، ایوانگلیزو (euangelizo) است. این اصطلاح از همان خانواده اصطلاحات یونانی ایوانگلیون می‌آید و به معنای «اعلام کردن یا اعلام خبر خوش» است. این اصطلاح حدود ۵۴ بار در عهد جدید به چشم می‌خورد. فراوانی این اصطلاحات به اهمیت مفهوم آن برای نویسندگان عهد جدید اشاره دارد.

امروزه بسیاری از اوانجلیکال‌ها فکر می‌کنند خبر خوش یا انجیل توضیحی است از قدم‌هایی که یک فرد برای نجات یافتن در مسیح باید بردارد. اما این فکری نبود که عیسی در سر داشت. اگرچه ما باید آماده باشیم تا به دیگران بگوییم که چطور پیرو مسیح شوند، اما خبر خوش در کتاب مقدس، درباره چیزی بسیار مهم‌تر است. همانطور که خواهیم دید، انجیل یا خبر خوش به جای اشاره به نجات فرد یا گروهی از مردم، خبر خوش پیروزی برای پادشاهی خداست.

برای درک این موضوع، باید بدانیم که نویسندگان عهد جدید اصطلاح «اعلام خبر خوش» را از سبتواجنت یا ترجمه هفتادگانی (ترجمه یونانی عهد عتیق) دریافت کردند. سبتواجنت حدود ۲۰ بار از همان فعل ایوانگلیزو (euangelizo) که پیش‌تر به آن اشاره کردیم، استفاده می‌کند. این واژه ترجمه فعل عبری «باسار» (basar) است که یعنی «آوردن یا اعلام خبر خوش». اما متونی مانند اول سموئیل ۳۱: ۹ و دوم سموئیل ۱۸: ۱۹ نشان می‌دهند که وقتی این کلمات برای اشاره به پادشاهان و پادشاهی‌ها به کار می‌رفت، بر خبر خوش پیروزی در میدان جنگ دلالت می‌کرد. این نکته دارای اهمیت است چون «خبر خوش» در عهد جدید اغلب درباره پیروزی پادشاهی خدا است. در حقیقت، وقتی عیسی در لوقا ۴: ۴۳ گفت:

لازم است که... مژده فرا رسیدن ملکوت خدا را... اعلام کنم (لوقا ۴: ۴۳، ترجمه تفسیری).

در واقع می‌توانیم این عبارت را اینطور ترجمه کنیم:

لازم است که... مژده [پیروزی برای] ملکوت خدا را... اعلام کنم (لوقا ۴: ۴۳، ترجمه تفسیری).

وقتی عهد جدید از خبر خوش پیروزی پادشاهی خدا صحبت می‌کند، همانطور که بعداً در این درس خواهیم دید، به نوع بسیار ویژه‌ای از پیروزی اشاره دارد. بنابراین، با وجود اینکه ممکن است در ابتدا عجیب به نظر برسد، اما باید تصدیق کنیم که مفهوم اساسی خبر خوش یا انجیل در عهد جدید، خبر خوش «پیروزی» برای پادشاهی خداست. حال که دیدیم که خبر خوش پادشاهی به معنای خبر خوش پیروزی برای پادشاهی خداست، آماده‌ایم تا به کنکاشی در مفهوم اساسی خود پادشاهی خدا بپردازیم.

پادشاهی خدا

پادشاهی خدا دست کم هفت بار در عهد جدید به طور ویژه با انجیل همراه است. ما عبارت «خبر خوش پادشاهی» را با تغییراتی اندک در متی ۴: ۲۳؛ ۹: ۳۵ و ۱۴: ۲۴؛ در لوقا ۴: ۴۳؛ ۸: ۱؛ ۱۶: ۱۶؛ و همچنین در اعمال ۸: ۱۲ می‌بینیم. این تکرار، به اهمیت مرتبط کردن انجیل – یا پیام پیروزی – با پادشاهی خدا اشاره دارد. اما برای درک این موضوع، باید اول متوجه بشویم که وقتی عیسی و پیروان او از پادشاهی خدا صحبت کردند، منظورشان چه بود.

پادشاهی خدا، سلطنت خدا بر قوم خدا در مکان خداست. ما این را دقیقاً در همان ابتدای کتاب مقدس، در باب‌های ۱ و ۲ پیدایش می‌بینیم که قوم خدا، آدم و حوا، با خدا در رابطه هستند، خدا حاکم است، و آنها در مکان خدا، در باغ عدن هستند. بعد این از طریق گناه به هم خورد، اما خدا پادشاهی خود را دوباره از نو می‌سازد، اول از طریق ابراهیم و بعد از طریق نسل ابراهیم، و بعد در نهایت از طریق موسی بعد از خروج با قوم اسرائیل. این سلطنت خدا بر قوم خدا – اسرائیل – و نهایتاً در مکان خدا، سرزمین کنعان است. اما بعداً می‌بینیم که این مسیر با آمدن مسیح حتی کامل‌تر محقق شد، و می‌بینیم که خدا از طریق مسیح به عنوان پادشاه خود، پادشاه موعود خود، سلطنت می‌کند. و قوم خدا شامل یهودیان و امت‌ها می‌شود، مردمی از تمام ملت‌ها و قبایل و زبان‌ها، اما مکان خدا به جای یک مکان جغرافیایی، در اورشلیم جدید، خانه آسمانی ما، است... بنابراین، می‌بینیم که در عهد جدید پادشاهی خدا از طریق سلطنت مسیح بر مردم از همه ملت‌ها، قبایل، و زبان‌ها که در تمام دنیا پراکنده هستند و در یک مکان خاص، یک مکان جغرافیایی نیستند بلکه در آسمان، در منزل روحانی ما هستند، ادامه دارد. اما بعد عهد جدید به ما یک نگاه سریع هم می‌دهد از اینکه وقتی مسیح برگردد، پادشاهی خدا به چه شکل خواهد بود، و در حالی که آن پادشاهی الان تا حدی در این دنیا پنهان است، وقتی مسیح برگردد به وضوح دیده خواهد شد؛ هر زانویی خم خواهد شد، هر زبانی اعتراف خواهد کرد که عیسی مسیح خداوند است، و خدا به کمال از طریق پادشاه خود، مسیح، بر قومی که او را می‌شناسند و او را پدر می‌خوانند، در یک اورشلیم جدید سماوی سلطنت خواهد کرد.

– دکتر کنستانتین کمپل

کتاب مقدس از دو طریق عمده به پادشاهی خدا اشاره می‌کند. از یک طرف، غالباً از حاکمیت پایدار یا سلطنت تغییرناپذیر خدا بر تمام آفرینش صحبت می‌کند. همچنین به پادشاهی آشکارشونده خدا و طریقی که خدا مقام پادشاهی خود را در طول تاریخ بشریت آشکار کرده است اشاره می‌کند. بیابید اول به حاکمیت پایدار او نگاه کنیم.

حاکمیت پایدار

متونی مانند اول تواریخ ۲۹: ۱۱ و اول تیموتائوس ۶: ۱۵ از کل آفرینش به عنوان پادشاهی خدا صحبت می‌کنند، چون خدا همیشه بر تمام آنچه آفرید حاکم بوده و تا ابد خواهد بود. باید در نظر داشته باشیم که کتاب مقدس در مورد حق حاکمیت خدا در دو سطح صحبت می‌کند: هم در آسمان و هم بر زمین.

در مورد آسمان، کتاب مقدس در قسمت‌هایی مانند اول پادشاهان ۸: ۲۷ از مقام پادشاهی خدا صحبت می‌کند. در این آیه، سلیمان به روشنی اعلام کرد که «فلک و فلک‌الافلاک» مکانی آفریده شده است که «گنجایش [خدا] را ندارد.» اما هنوز هم خدا خودش را متواضع و نزد مخلوقاتش آشکار می‌کند.

متونی مانند اشعیا ۶: ۱؛ دوم تواریخ ۱۸: ۱۸؛ ایوب ۱: ۶؛ مزمو ۸۲: ۱؛ و دانیال ۷: ۹-۱۰؛ و نیز متونی در عهد جدید مانند لوقا ۲۲: ۳۰؛ و باب‌های ۴-۶ مکاشفه، نشان می‌دهند که آسمان، مکان خدا فرای جهان مرئی است که در آنجا همه انواع فعالیت‌ها انجام می‌شود. خدا در حالی که در آسمان بر تخت سلطنت خود نشسته است، گزارشات دریافت می‌کند، دعا می‌شنود، می‌اندیشد، برنامه‌ریزی می‌کند، و فرامین سلطنتی صادر می‌کند. او موجودات روحانی را هدایت می‌کند تا اراده‌اش را بر زمین اجرا کنند. گاهی حتی به انسان‌های برگزیده خاص از طریق رویاها اجازه حضور در مکان خود را می‌دهد و خدمتی به آنها محول می‌کند. او در بارگاه آسمانی خود بر اساس عدالت و رحمت خود خویش موجودات آسمانی، انسان‌ها، و ملت‌ها را گناهکار و بی‌گناه اعلام، و آنها را محکوم می‌کند. اما اعمال آسمانی خدا فقط پادشاهی او در آسمان را اداره نمی‌کند. او بر عوالم زیرین آفرینش خود - بر زمین - نیز حاکم است.

اگرچه کتاب مقدس از پادشاهی خدا به عنوان حاکمیت پایدار او در آسمان و زمین صحبت می‌کند، اما وقتی عیسی و نویسندگان عهد جدید به پادشاهی خدا بر زمین اشاره کردند، مفهومی را در ذهن داشتند که ما آن را پادشاهی آشکارشونده خدا خواندیم. و در این قلمرو زمینی است که می‌بینیم خدا چطور پادشاهی خود را در سرتاسر تاریخ بشری آشکار می‌کند.

پادشاهی آشکارشونده

حال، همانطور که گفتیم، خدا همیشه زمام کامل آفرینش خود را در دست داشته و خواهد داشت. اما پادشاهی آشکارشونده خدا اشاره به طریق خاصی دارد که خدا حاکمیت خود بر آفرینش در طول تاریخ را آشکار می‌کند، نشان می‌دهد، یا به نمایش می‌گذارد. بنابراین، در حالی که کتاب مقدس تایید می‌کند که خدا چطور پادشاهی خود را در آسمان آشکار کرد، نویسندگان کتاب مقدس بیشترین توجه خود را به توضیح چگونگی آشکارسازی سلطنت خدا بر زمین معطوف کردند.

در ابتدا، خدا مقام پادشاهی خود را به وضوح در باغ عدن نشان داد. او نخستین انسان‌ها را در آن باغ مقدس قرار داد و ماموریت گسترش پادشاهی مشهود او در سرتاسر زمین را به آنان محول کرد. آنها باید به عنوان صورت سلطنتی و کهانتی خدا، زمین را پر می‌کردند و بر آن مسلط می‌شدند. اما شیطان، آدم و حوا را به سوی شکستی بزرگ برای پادشاهی سوق داد. در پاسخ، خدا آفرینش خود را لعنت، و ماموریت بشر را دشوارتر کرد. او بشریت را به دو دسته رقیب تقسیم کرد: آنهایی که خدا را خدمت می‌کنند و آنانی که به مشارکت در عصیان شیطان در برابر خدا ادامه می‌دهند.

این رقابت در طول تاریخ کتاب مقدسی اشکال مختلفی به خود گرفت و منجر به چالش‌های فراوانی برای پادشاهی خدا شد. اما کتاب مقدس بارها و بارها نشان می‌دهد که در پایان، خدا بر تمام آنانی که با او دشمنی کردند پیروز خواهد شد. صورت او در پر ساختن و تسلط بر زمین موفق، و عجایب پادشاهی خدا در همه جا آشکار می‌شد. و در آن زمان، پیروزی خدا بر همه عصیان‌ها آنچنان عظیم خواهد بود که هر آفریده‌ای او را به عنوان پادشاه آفرینش تصدیق خواهد کرد. همانطور که پولس رسول در فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱ توضیح داد:

تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم شود، و هر زبانی اقرار کند که عیسی مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر (فیلیپیان ۲: ۱۰-۱۱).

این چشم‌انداز شکوهمند از هدف تاریخ، همان پیروزی‌ای است که عیسی و پیروانش به عنوان «خبر خوش پادشاهی خدا» اعلام کردند. حال که مفهوم اساسی خبر خوش پادشاهی را با نگاه به خبر خوش و پادشاهی خدا ترسیم کردیم، باید به سراغ بسط اهمیت این اعلام پیروزی برای پادشاهی خدا برویم.

بسط اهمیت

خبر خوش پیروزی برای پادشاهی، چنان در تار و پود الاهیات عهد جدید تنیده شده است که به طور صریح یا ضمنی در همه جای عهد جدید به چشم می‌خورد. در زمان نگارش عهد جدید، امید به پیروزی برای پادشاهی خدا چنان اهمیت پیدا کرده بود که در تمام ابعاد الاهیات عهد جدید نفوذ می‌کرد. راه‌های بسیاری برای پیگیری بسط اهمیت پادشاهی خدا در الاهیات عهد جدید وجود دارد، اما در راستای اهداف این درس، فقط به دو جنبه نگاه خواهیم کرد. نخست، خطایای اسرائیل تا زمان عهد جدید را در نظر می‌گیریم. و دوم، به بررسی امیدهای اسرائیل برای پادشاهی، پیش از ظهور مسیح خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا درباره شکست‌های اسرائیل فکر کنیم.

خطای اسرائیل

بعد از اینکه گناه آفرینش و نژاد بشری را تحت لعنت قرار داد، خدا ابراهیم و نسل او را برگزید تا ماموریتی را محقق کنند که او نخست به آدم و حوا سپرده بود. خدا وعده داد که خانواده ابراهیم را افزایش دهد، و سرزمین وعده را به نسل او بخشید تا نقطه آغاز گسترش برکات او به سرتاسر دنیا باشد. خدا در زمان موسی و یوشع، با پیروزی بخشیدن به اسرائیلیان در برابر کنعانیان و ارواح شیطانی‌ای که کنعانیان به خدمت آنها می‌پرداختند، امتیازات و مسئولیت‌های اسرائیلیان را بیشتر کرد. بعدها، داوود، سلیمان، و چند پادشاه دیگر اسرائیل و یهودا به موفقیت‌های چشمگیری در گسترش پادشاهی خدا به ملت‌های دیگر دست پیدا کردند. در حقیقت، در اوج حکومت سلیمان، اسرائیل یکی از شکوهمندترین امپراتوری‌های دنیا بود.

با وجود این امتیازات، هر نسلی از فرزندان ابراهیم به نوعی خدا را رد کردند. اما خدا بردباری نشان داد و آنها را قادر ساخت تا علیرغم گناهان‌شان، جلو بروند. متأسفانه، وقتی قوم خدا با برخورداری از یک خاندان سلطنتی و یک هیکل در پایتخت به پادشاهی خودشان رسیدند، خطای اسرائیل چنان وقیحانه شده بود که خدا به داوری علیه آنها پرداخت. او امپراتوری‌های شریر آشور و بابل را فراخواند تا اسرائیل را در جنگ مغلوب کنند. این شکست‌های شدید در نهایت خاندان داوود را سرنگون کرد، هیکل را از میان برداشت، اورشلیم را نابود ساخت و اکثر اسرائیلیان را به تبعید فرستاد. سرزمین موعود ویران شد. و در پایان عهد عتیق به نظر می‌رسید تمام دستاوردهای پادشاهی خدا از بین رفته بودند. وقتی زمان عهد جدید رسید، پادشاهی خدا در اسرائیل بیش از ۵۰۰ سال بود که تحت استبداد ملت‌های غیریهودی و خدایان شیطانی‌ای بودند که آنها را خدمت می‌کردند.

متأسفانه، مسیحیان امروزی به قدری از این تجربیات دور هستند که اکثر ما نمی‌دانیم شکست ملکوت خدا در عهد عتیق چقدر بر الاهیات عهد جدید تاثیر گذاشت. اما فرمانبرداری اسرائیل از امت‌ها بار سنگینی در ذهن یهودیان قرن اول و از جمله پیروان عیسی بود. یهودیان قرن اول با خود فکر می‌کردند که آیا تبعید، پایان پادشاهی مشهود خدا بود؟ آیا هیچ خبر خوش امیدبخشی برای پادشاهی خدا وجود داشت؟ این شرایط باعث شد نویسندگان عهد جدید تاکید کنند که پادشاهی خدا پایان نیافته است. همه چیز از دست نرفته بود. عیسی ناصری این خبر خوش را اعلام کرده بود که تبعید به پایان خواهد رسید. و پادشاهی پیروزمند خدا در سرتاسر جهان از طریق مسیح، و علیرغم خطای اسرائیل، مستقر می‌شد.

حال که بسط اهمیت پادشاهی از طریق خطای اسرائیل را دیدیم، آماده‌ایم تا به امیدهای اسرائیل برای پادشاهی خدا بعد از تبعید نگاه کنیم.

امیدهای اسرائیل

خدا در عهد عتیق از طریق انبیای خود صحبت کرد تا اسرائیل را از شکست قریب‌الوقوع و تبعید آنها به خاطر بی‌وفایی‌شان آگاه کند. اما همچنین از رحمت خود به انبیا الهام بخشید تا تبعیدشدگان را به توبه و امید پیروزی عظیم فرا بخوانند. این نبوت‌ها پیچیده بودند اما به طور کلی، اسرائیل به زمانی امیدوار بود که خدا دشمنان خود را شکست بدهد و قوم خویش را به برکات پادشاهی جهانی و شکوهمندش وارد کند. ما می‌توانیم این امید را در بسیاری از قسمت‌های عهد عتیق ببینیم، اما به دلیل تنگی زمان، تنها به دو آیه از یک نبوت مشهور اشعیا در باب ۵۲ کتاب او نگاه می‌کنیم. نخست، در اشعیا ۵۲: ۷ می‌خوانیم:

چه خوشی بزرگی است دیدن پیام‌آوری که از فراز کوه‌ها به زیر می‌آید، و مژده صلح را می‌آورد. او پیروزی را اعلام می‌کند و به صهیون می‌گوید: «خدا پادشاه شماست!» (اشعیا ۵۲: ۷، ترجمه شریف).

این آیه برای ما مهم است چون صریحا به خبر خوش پیروزی برای پادشاهی خدا اشاره می‌کند. همچنین در موازات اشعیا ۴۰: ۹ است که اظهارات مشابهی را ارائه می‌دهد. زمینه وسیع‌تر این دو متن نشان می‌دهد که «خبر خوش» به پیروزی بی‌نظیر پادشاهی خدا در پایان تبعید اسرائیل اشاره می‌کند. این پیشگویی‌های امیدبخش، در تفکرات الاهیاتی اکثر یهودیان قرن اول رخنه کرده بودند. و جای تعجب ندارد که در الاهیات عهد جدید هم نفوذ کردند.

روایت عهد عتیق به طور کلی، تحت تسلط مضمون تبعید قرار دارد. به باغ عدن و آدم و حوا بر می‌گردد و در تاریخ خود اسرائیل هم مرتب تکرار می‌شود. و بنابراین، این سلسله‌ناامیدکننده حوادث، که در روایت عهد عتیق بسیار به چشم می‌خورد، به طور طبیعی تمایل به امیدهایی برای فرای تبعید به وجود آورد. بنابراین، نبوت‌های کوتاه‌مدت بسیاری داریم، بخصوص در اشعیا، که خدا قوم خود را بر می‌گرداند، اما وقتی این را به روایت آفرینش مربوط می‌کنید، متوجه می‌شوید که بازآوری صرف به سرزمین وعده هرگز برای خنثی کردن آسیب اولیه‌ای که در ابتدا اتفاق افتاد، یا مدت کمی بعد از ابتدای آفرینش، کافی نبود... و بنابراین، کاملا طبیعی است که ببینید انبیای عهد عتیق آرزوی یک رهایی کوتاه‌مدت را برای اسرائیل و احتمالا به دست یک پادشاه ویژه داشتند، اما همچنین آرزوی نجات غایی از طرف یک نماینده نهایی سلطنتی برای قوم خدا هم وجود داشت.

- دکتر شان مک‌دانا

نگاهی عمیق‌تر به اشعیا ۵: ۲۷، چهار ویژگی مربوط به امیدهای اسرائیل برای پیروزی پادشاهی خدا را برجسته می‌کند.

نخست، اشعیا گفت که مبشران «مژده» و «پیروزی» را به صهیون اعلام می‌کنند. هر دوی این عبارات ترجمه فعل عبری «باسار» (basar) هستند که سبتواجنت آن را به «ایوانگلیزو» ترجمه می‌کند. همان‌طور که پیش‌تر دیدیم، همین ریشه‌شناسی در عهد جدید برای خبر خوش پیروزی پادشاهی خدا در مسیح استفاده شده است.

دوم، می‌بینیم که اشعیا ۵: ۲۷ در رومیان ۱۰: ۱۵ نقل قول شده است. در اینجا پولس نشان داد که موعظه مسیحی، تحقق پیشگویی اشعیا درباره پیام‌آورانی است که در پایان تبعید اسرائیل خبر خوش را اعلام می‌کردند.

سوم، اشعیا پیشگویی کرد که خبر خوش، اعلام «سلامتی» و «نجات» خواهد بود. پولس در افسسیان ۶: ۱۵ به «انجیل سلامتی» مسیحیان، و در افسسیان ۱: ۱۳ به «بشارت نجات خود» اشاره کرد.

و چهارم، خط آخر این آیه، خبر خوش را به طور خلاصه اعلام می‌کند که، «خدا پادشاه شماست!» این پیام پایه‌های انجیلی را شکل می‌دهد که عیسی و نویسندگان عهد جدید مکررا به عنوان «خبر خوش پادشاهی» یا پادشاهی خدا به آن رجوع کردند.

حال که دیدیم اشعیا چطور درباره امیدهای آینده اسرائیل در اشعیا ۵۲: ۷ نبوت کرد، بیایید به آیه ۱۰ از همان باب نگاه کنیم. در اینجا اشعیا دو سوی پیروزی‌ای را که اسرائیل مشتاق بود ببیند، پیشگویی کرد. نخست، او شکست دشمنان خدا را پیشگویی کرد.

شکست دشمنان خدا به صراحت در نیمه نخست اشعیا ۵۲: ۱۰ به چشم می‌خورد که اشعیا گفت:

خداوند ساعد قدوس خود را در نظر تمامی امت‌ها بالا زده است (اشعیا ۵۲: ۱۰).

در اینجا می‌بینیم که خدا «ساعد قدوس» خود را بالا خواهد زد که به معنای دست توانمند او در جنگ برای شکست دشمنانش است.

البته، هر کسی که با عهد عتیق آشنا باشد می‌داند که خدا بارها دشمنان را شکست داد. بنابراین، چه چیزی به این پیشگویی درباره پیروزی خدا ویژگی می‌بخشد؟ در این آیه، اشعیا پیشگویی کرد که خدا دشمنانش را «در نظر تمامی امت‌ها» شکست خواهد داد. به عبارت دیگر، اشعیا پیشگویی کرد که بعد از تبعید اسرائیل، خدا دشمنان خود را «کاملا» و «در همه جا» شکست خواهد داد. او قدرت آنان را سلب، و از روی زمین محوشان خواهد کرد و آنها را به داوری ابدی خواهد فرستاد.

دوم، بخش دوم اشعیا ۵۲: ۱۰ به ما می‌گوید که پیروزی خدا منجر به رهایی قوم خدا و برکات پادشاهی او خواهد شد. به این بخش از اشعیا ۵۲: ۱۰ گوش کنید:

جمع کرانه‌های زمین نجات خدای ما را دیده‌اند (اشعیا ۵۲: ۱۰).

می‌دانیم که خدا بارها قوم خود را در عهد عتیق نجات داد. اما در نجاتی که اشعیا اینجا پیشگویی کرد، «جمع کرانه‌های زمین» آن را خواهند دید. درست همانطور که شکست دشمنان خدا عالم‌گیر خواهد بود، نجات او نیز جهانی و نهایی خواهد بود. در پایان، خدا قوم خود را به پادشاهی شادی، محبت، عدالت، سلامتی، سعادت و سرور بی‌پایان در حضور خویش وارد خواهد کرد.

به این دو جنبه از پیروزی خدا بعدتر در درس‌مان با دقت بیشتری خواهیم پرداخت، اما همانطور که این آیات نشان می‌دهند، نبوت‌ها درباره پادشاهی آینده خدا در سرتاسر عهد عتیق دیده می‌شوند.

متأسفانه بیش از دو هزار سال، الاهیات مسیحی سنتی اهمیت پادشاهی در عهد جدید را نادیده گرفت. در زمان‌های مختلف در تاریخ کلیسا، مسیحیان به درستی بر انواع دیدگاه‌های الاهیاتی در پاسخ به موضوعات مختلف تأکید کرده‌اند. اما همیشه باید به خود یادآوری کنیم که وقتی عهد جدید به نگارش در آمد، شکست پادشاهی خدا بر پیروان عیسی سنگینی می‌کرد. برای آنها هیچ چیز مهم‌تر از باورشان به این نبود که پادشاهی خدا در عیسی به پیروزی بی‌سابقه‌ای خواهد رسید. و به همین دلیل، الاهیات عهد جدید در چهارچوب خبر خوش پادشاهی خدا قرار گرفت.

تا به اینجا در این درس درباره پادشاهی خدا، مضمون برجسته خبر خوش پادشاهی خدا در الاهیات عهد جدید را معرفی کردیم. حال، باید به سراغ دومین موضوع‌مان برویم: آغاز این پادشاهی چگونه الاهیات عهد جدید را شکل بخشید؟

آغاز پادشاهی

همه ما زمان‌هایی را تجربه کرده‌ایم که باور داشتیم اتفاق خاصی در شرف وقوع است. اما وقتی که زمان آن فرا رسید، آنچه رخ داد از آنچه تصور کرده بودیم بسیار متفاوت بود. از بسیاری جهات، این مسئله درباره نویسندگان عهد جدید نیز صادق بود. اکثر یهودیانی که در قرن اول زندگی می‌کردند، انتظارات قاطعی از نحوه پیروزی پادشاهی خدا داشتند. اما پیروان اولیه عیسی به تدریج آموختند که آنطوری که تصور کرده بودند، رخ نخواهد داد. بنابراین، الاهیات عهد جدید از طُرُق مختلف به توضیح چگونگی رخداد پادشاهی خدا در عمل اختصاص پیدا کرد.

برای درک اینکه آغاز پادشاهی چطور بر الاهیات عهد جدید تاثیر گذاشت، ابتدا به انتظارات برای شروع پادشاهی خدا خواهیم پرداخت. سپس نگاهی خواهیم داشت به دیدگاه‌های عهد جدید درباره آنچه ما پیروزی سه‌لایه پادشاهی خواهیم خواند. بیایید نخست انتظارات برای شروع پادشاهی را در نظر بگیریم.

انتظارات

در قرن اول میلادی، همه یهودیان، حتی با اندک تعهدی به ایمان اجدادشان، در اشتیاق آغاز پیروزمند پادشاهی خدا بودند. همه آنان امیدوار بودند که خدا دشمنان‌شان را شکست بدهد و آنان را وارد برکات پادشاهی خود کند. این درباره پیروان عیسی هم صحت داشت. اما در مورد چگونگی و زمان انتظار آنها برای آغاز پادشاهی پیروزمندانه خدا، تفاوت‌های چشمگیری وجود داشت.

از یک سو، وقتی ربای‌ها و دیگر راهبران در اسرائیل درباره پیروزی نهایی پادشاهی خدا در آینده تعلیم می‌دادند، به اصطلاحات آشنای عهد عتیق مانند «روزهای آخر» و «روز خداوند» اشاره می‌کردند. اما آنها همچنین از دو عصر بزرگ تاریخ صحبت می‌کردند. ربای‌ها غالباً به زمان حاضر گناه، رنج و مرگ به عنوان «عصر حاضر» – اَلام هزه (olam hazeh) در عبری – و زمان آینده عدالت، محبت، شادی و سلامتی پس از تبعید به عنوان «عصر آینده» – اَلام هابا (olam haba) در عبری – اشاره می‌کردند.

آنها تعلیم می‌دادند که «عصر حاضر» به پست‌ترین نقطه خود در دوره لعنت تبعید اسرائیل از سرزمین موعود رسیده است. البته، خدا بر این عصر حاکم بود و گاه‌گاه مقام پادشاهی خود را به طرق چشمگیری آشکار می‌کرد یا نشان می‌داد. اما در قرن اول میلادی، صدها سال بود که قوم خدا مورد ظلم قرار داشتند و از برکات پادشاهی خدا محروم بودند. انتظار عمومی این بود که در «عصر آینده»، دشمنان خدا کاملاً شکست می‌خورند و از روی زمین محو می‌شدند. و قوم خدا برای همیشه به برکات بی‌اندازه پادشاهی جهانی او می‌رسیدند.

در ادبیات کتاب مقدسی و همچنین در مباحثات درباره کتاب مقدس، گاهی اصطلاحات «عصر حاضر» و «عصر آینده» را می‌یابیم یا با آنها برخورد می‌کنیم. منظور از این اصطلاحات این است: «عصر حاضر» عصر، دوره، یا تاریخی است که بشر در آن زندگی می‌کند؛ عصری که از سقوط آغاز شد. زندگی در دنیای سقوط کرده است. «عصر آینده»، آنطور که انبیای عهد عتیق انتظار داشتند، عصری بود که خدا، به نوعی بهشت را احیا می‌کرد؛ آسمان‌ها و زمینی جدید می‌بود و قلب سنگی انسان برداشته می‌شد، و همه ما اراده خدا را به کمال پیروی می‌کردیم و انجام می‌دادیم. هیچ ستمی در میان بشریت وجود نمی‌داشت؛ حتی هیچ خشونتتی در بین حیوانات هم وجود نمی‌داشت.

– دکتر اکهارد اِشِنِبِل

در قرن اول، فرقه‌های مختلف یهودی درباره آنچه می‌بایست پیش از گذار از «عصر حاضر» به «عصر آینده» اتفاق بیفتد دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. اما اکثر طرفین توافق نظر داشتند که گذار از این عصر شکست به عصر پادشاهی پیروزمند خدا از طریق جنگی فاجعه‌بار رخ می‌داد. آنها باور داشتند که ماشیح، وارث تخت و تاج داوود، فرشتگان آسمان و قوم وفادار خدا را در پیروزی بر دشمنان انسانی و روحانی خدا هدایت می‌کند.

باور به اینکه خدا نه فقط دشمنان انسانی، بلکه دشمنان روحانی را نیز شکست می‌دهد، در سرتاسر متون عهد عتیق پشتیبانی می‌شد. برای نمونه، در خروج ۱۲: ۱۲ خدا نه تنها درباره شکست مصریان، بلکه درباره شکست خدایان مصری نیز صحبت کرد. در اول سموئیل ۵: ۱-۱۲، خدا با فلسطینیان جنگید و خدای دروغین آنها، داجون، را نیز شکست داد. به همین دلیل است که اشعیا ۹: ۲۱-۹ شکست بابلیان را با نابودی خدایان بابلی همراه می‌کند.

متونی در عهد عتیق مانند حجتی ۲: ۶-۹، باب‌های ۹-۱۲ زکریا و حزقیال ۳۸-۳۹، در ادبیات آخرالزمانی یهودی به عنوان نبوت‌هایی درباره جنگ عظیم کیهانی تفسیر می‌شد که در آن، ماشیح لشکرهای خدا در پیروزی بر ملت‌ها و ارواح شریری که بر آنها حاکم بودند را هدایت می‌کرد. در این مسیر، ماشیح همه دشمنان خدا را شکست می‌داد و تمام قوم خدا را وارد پادشاهی فراگیر پر شکوه او می‌ساخت.

از سوی دیگر، به همان گستردگی این دیدگاه‌های یهودی، پیروان عیسی پیش‌بینی از راه رسیدن پیروزی پادشاهی خدا را به شکلی متفاوت آغاز کردند. نویسندگان عهد جدید نیز مانند اکثر هم‌عصران خود باور داشتند که تاریخ به دو عصر بزرگ تقسیم شده است. و موافق بودند که ماشیح دشمنان بشری و روحانی خدا را شکست خواهد داد و قوم نجات‌یافته خدا را از «عصر حاضر» به برکات «عصر آینده» وارد خواهد کرد. اما پیروان عیسی به این باور رسیدند که انتقال از عصر حاضر به عصر آینده به طریقی مغایر با آنچه بیشتر یهودیان در زمان آنها معتقد بودند، اتفاق خواهد افتاد.

در وهله نخست، نویسندگان عهد جدید بر خلاف اکثر یهودیان، معتقد بودند که عیسی همان ماشیح موعود، و پسر برگزیده داوود بود که پیروزی فراگیر نهایی برای پادشاهی خدا را به انجام می‌رساند. و این تعهد به عیسی به عنوان ماشیح، عمیقاً تمام نوشتجات آنها در عهد جدید را شکل داد.

ما می‌توانیم این سرسپردگی به مقام پادشاهی مسیحایی عیسی را در عناوین سلطنتی‌ای ببینیم که عهد جدید به او می‌دهد. برای مثال، عهد جدید حدوداً ۵۲۹ بار به عیسی با عنوان سلطنتی «مسیح» اشاره می‌کند. واژه یونانی کریستوس، ترجمه اصطلاح عبری عهد عتیق «مشایخ» است که ما اصطلاح ماشیح را از آن گرفته‌ایم. در اصل، این اصطلاحات به معنای ساده «مسح‌شده» بودند. در روزگاران عهد عتیق انبیا، کاهنان، و پادشاهان مقامات ویژه مسح‌شده در اسرائیل بودند. اما در زمان عهد جدید، اصطلاح «مسح‌شده» یا «ماشیح» با پادشاه بزرگ خاندان داوود که گذار به عصر آینده را محقق می‌کرد مترادف بود.

دومین عنوان سلطنتی که در عهد جدید به مسیح نسبت داده شده، «پسر خدا» است. این عبارت یا بعضی از انواع آن مانند «پسر» یا «فرزند حضرت اعلی» حدوداً ۱۱۸ بار در عهد جدید به چشم می‌خورد. این لفظ نشان می‌داد که عیسی پادشاه حقیقی اسرائیل بود. به یوحنا ۱: ۴۹ گوش کنید که نتنائیل به عیسی گفت:

ای استاد تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیل هستی! (یوحنا ۱: ۴۹).

و همانطور که پطرس در اعتراف ایمان خود به عیسی در متی ۱۶: ۱۶ گفت:

تویی مسیح، پسر خدای زنده! (متی ۱۶: ۱۶).

این عبارت، مشابه سومین عنوان سلطنتی مختص به عیسی بود: «پسر داوود». ما دست کم ۲۰ دفعه این اصطلاح را در اناجیل متی، مرقس، و لوقا در اشاره به عیسی به عنوان وارث حقیقی تاج و تخت داوود، و مسح شده از طرف خدا می‌بینیم.

برای مثال، در لوقا ۱: ۳۲-۳۳، جبرائیل فرشته در بشارت خود به مریم گفت:

او [عیسی] بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسمی شود، و خداوند خدا تخت پدرش داوود را بدو عطا خواهد فرمود. و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود (لوقا ۱: ۳۲-۳۳).

جبرائیل در اینجا از عیسی با عنوان سلطنتی «پسر حضرت اعلی» صحبت می‌کند. سپس توضیح می‌دهد که او بر «تخت پدرش داوود» خواهد نشست. لوقا ثبت کرد که عیسی «تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.» عیسی به عنوان پسر حضرت اعلی، همانی است که پیروزی نهایی و پایان‌ناپذیر پادشاهی خدا را محقق خواهد کرد.

همه این متون به تعلیمی اساسی در الاهیات عهد جدید اشاره دارند: عیسی، ماشیح است که پادشاهی خدا را به کمال آن در زمین تحقق خواهد بخشید.

در وهله دوم، پیروان اولیه عیسی باور داشتند که او گذار از عصر حاضر به عصر آینده را از طرقي به انجام خواهد رساند که آنها و دیگران انتظارش را نداشتند.

بشنوید که عیسی چگونه این تغییر در انتظارات درباره پادشاهی خدا را در متی ۱۳: ۳۱-۳۲ آشکار کرد:

بار دیگر مثلی برای ایشان زده، گفت: «ملکوت آسمان مثل دانه خردلی است که شخصی گرفته، در مزرعه خویش کاشت. و هرچند از سایر دانه‌ها کوچکتر است، ولی چون نمو کند بزرگترین بقول است و درختی می‌شود چنانکه مرغان هوا آمده در شاخه‌هایش آشیانه می‌گیرند (متی ۱۳: ۳۱-۳۲).

عیسی در این مثل تعلیم داد که پادشاهی پیروزمند خدا به عنوان چیزی کوچک مانند «دانه خردل» آغاز می‌شود، مدتی رشد می‌کند، و «سپس» به اوج نهایی خود می‌رسد. الاهی‌دانان امروزی معمولاً دیدگاه عیسی درباره پادشاهی مسیحایی آینده خدا را «آخرت‌شناسی آغازشده» می‌خوانند. این عبارت به این تفکر اشاره دارد که عمل ماسیح پیشاپیش روی زمین متجلی شده است، اما پیروزی «نهایی» هنوز در راه است. آنها همچنین از آن با عنوان «هم‌اینک، و نه هنوز» صحبت می‌کنند. به عبارت دیگر، پیروزی پادشاهی خدا «هم‌اینک» فرا رسیده، اما «نه هنوز» به کمال خود. این دیدگاه درباره پیروزی پادشاهی آینده خدا منجر به درک زیادی از الاهیات عهد جدید می‌شود.

وقتی عیسی پادشاهی خدا را اعلام می‌کند، یکی از بزرگترین سوالات این است که، آیا این یک واقعیت حاضر است؟ آیا در حرف و عمل فرا رسیده، یا همچنان چیزی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد؟ خُب، محققین درباره «پادشاهی آغازشده» خدا صحبت می‌کنند. «آغازشده» یعنی هم حال و هم آینده. عیسی پادشاهی را اعلام می‌کند. پادشاهی در حرف و عمل او از راه می‌رسد؛ بخصوص از طریق مرگ او بر صلیب و رستاخیزش. بنابراین، پادشاهی آغاز شده اما هنوز تکمیل نشده. وقتی کاملاً به انجام برسد، کاملاً روی زمین خواهد آمد، بدن‌های جلال یافته‌مان را دریافت خواهیم کرد، و وارد رابطه‌ای ابدی با خدا خواهیم شد. بنابراین، ما امروز در بین دو زمان زندگی می‌کنیم، بین آغاز پادشاهی و تکمیل آن. ما همچنان در این بدن‌ها زندگی می‌کنیم؛ همچنان در این دنیای سقوط کرده زندگی می‌کنیم؛ با اینحال، پادشاهی آغاز شده چون مسیح در دست راست خدای پدر سلطنت می‌کند. او همچنین در قلب‌های ما سلطنت می‌کند. و بنابراین، پادشاهی «هم‌اینک» آغاز شده اما همچنان در راه است. هنوز نه کاملاً.

- دکتر مارک استراوس

به طور کلی، مفید است که درباره دیدگاه عهد جدید نسبت به پادشاهی آینده خدا به عنوان یک پیروزی سه لایه فکر کنیم. نخست، در تاسیس، خدا پیروزی پادشاهی را از طریق زندگی، مرگ، رستاخیز و صعود عیسی، و نیز خدمات بنیادین انبیا و رسولان قرن اول، آغاز کرده است. بعد از این، در تداوم، عیسی پیروزی پادشاهی خدا را از تخت خود در آسمان به پیش می‌برد. و در نهایت، وقتی عیسی در جلال برگردد، تکمیل پادشاهی را محقق خواهد

کرد. این پیروزی نهایی پادشاهی خدا خواهد بود که تمام شرارت نابود خواهد شد و پادشاهی پر جلال خدا به چهار گوشه زمین گسترش پیدا خواهد کرد.

وقتی نویسندگان عهد جدید تلاش کردند که انواع مختلف این موضوعات الاهیاتی را توضیح بدهند، عمدتاً این عمل را از طریق این سه مرحله کار مسیحایی عیسی انجام دادند.

همانطور که دیدیم، فرا رسیدن پادشاهی، انتظارات پیروان عیسی در قرن اول را تغییر داد. حال، بیایید به جایگاه اساسی پیروزی سه لایه پادشاهی خدا در الاهیات عهد جدید نگاه کنیم.

پیروزی سه لایه

این حقیقت که پیروزی پادشاهی خدا در تاسیس، تداوم، و تکمیل عمل مسیحایی عیسی فرا می‌رسد، سوالات بسیاری در کلیسای اولیه به وجود آورد. عیسی تا به اینجا چه چیزی را به ثمر رسانده بود؟ در تاریخ کلیسا چه چیزی به انجام می‌رسید؟ او در بازگشت خود چه می‌کرد؟ این نوع سوالات از چنان اهمیتی در قرن اول برخوردار بودند که عمیقاً به الاهیات عهد جدید شکل دادند. نویسندگان عهد جدید به این حقیقت پی بردند که شکست دشمنان خدا و نجات قوم او از اولین ظهور مسیح آغاز شده است. این وقایع در طول تاریخ کلیسا ادامه پیدا می‌کرد، و نهایتاً در دومین ظهور پیروزمندان مسیح به کمال خود می‌رسید.

کمبود زمان به ما اجازه می‌دهد که تنها به بعضی از راه‌هایی اشاره کنیم که این پیروزی سه لایه به الاهیات عهد جدید شکل بخشید، اما مفید است که به دو مسیر نگاه کنیم. نخست، خواهیم دید که عهد جدید چطور شکست دشمنان خدا در سه مرحله پادشاهی را توضیح می‌دهد. سپس، به بررسی تعلیمات عهد جدید درباره انتقال قوم خدا در تمام این سه مرحله نیز خواهیم پرداخت. بیایید ابتدا به شکست دشمنان خدا نگاه کنیم.

شکست

یهودیان غیر ایماندار معتقد بودند که ماشیح هم دشمنان انسانی و هم دشمنان روحانی خدا را شکست خواهد داد. نویسندگان عهد جدید هم به این باور داشتند. اما آنها درک کرده بودند که عیسی این را به نحوی انجام خواهد داد که با هر یک از مراحل پادشاهی متناسب باشد.

الاهیات عهد جدید تأکید می‌کند که راهبرد عیسی در تاسیس پادشاهی، دولایه بود. از یک سو، او باعث داوری خدا بر دشمنان روحانی خدا شد. عیسی در طول خدمت خود، ارواح شریر را با اخراج آنها از مواضع قدرت‌شان، ناتوان ساخت. اما از سوی دیگر، او رحمت خدا را به دشمنان انسانی خدا تسری داد. مطمئناً رحمت مسیح نسبت به مردم موجب برکات بسیاری برای آنها شد، اما همچنین خادمان انسانی ارواح شریر را از چنگ آنها درآورد و به شکست آنها کمک کرد.

در متی ۱۲: ۲۸-۲۹، خودِ عیسی این راهبرد را توضیح داد و گفت:

هرگاه من به روح خدا دیوها را اخراج می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا بر شما رسیده است. و چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زورآور درآید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زورآور را ببندد و پس خانه او را تاراج کند؟ (متی ۱۲: ۲۸-۲۹).

عیسی آمد و شیاطین را به زنجیر درآورد، یا «مرد زورآور را بست» تا «خانه او را تاراج کند.» به عبارت دیگر، عیسی دیوها را اخراج کرد و آنانی که تحت کنترل آنها بودند را آزاد کرد. ما همچنین می‌توانیم این راهبرد دولایه را در قسمت‌هایی مانند یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲ ببینیم که عیسی گفت:

الحال داوری این جهان است و الآن رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود. و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به سوی خود خواهم کشید (یوحنا ۱۲: ۳۱-۳۲).

یک بار دیگر، عیسی در تاسیس پادشاهی مستقیماً به ارواح شریر یا «رئیس این جهان» که شیطان است حمله کرد. او را اخراج کرد و قدرتش را از بین برد. اما عیسی در کنار این خصومت علیه شیطان، نجات را به بشریت ارائه کرد.

گاهی مردم تعجب می‌کنند که چطور این دیدگاه کریستوس ویکتور (Christus Victor) یا مسیح پیروزمند می‌تواند با این موضوع که مسیح به خاطر گناهان ما مرد، یک کفاره جانشین شد، مربوط باشد؟... در انجیل یوحنا، سومین باری که عیسی از بلند کرده شدن پسر انسان مثل بلند کرده شدن مار برنجین در بیابان صحبت می‌کند - که در باب ۱۲ یوحناست - او به طور ویژه این بلند کرده شدن را به این جمله ربط می‌دهد که «الان رئیس این جهان بیرون افکنده می‌شود.» بنابراین، عیسی جای مار لعنت شده را می‌گیرد، به مرگ می‌رود تا آن را از درونش نابود کند. بنابراین، اولین عمل او به عنوان مسیح پیروزمند این است که با مرگ روی صلیب، مرگ را از درون نابود کند. - کشیش مایکل گلودو

شکست دشمنان روحانی خدا به قدری در عمل آغازگر مسیح اهمیت داشت که در بخش‌هایی مانند عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵، نویسندگان عهد جدید درباره مرگ کفاره‌ای مسیح بر صلیب با توجه به همین راهبرد دولایه نوشتند.

آنها روشن کردند که عیسی از طریق مرگ خود، قدرت شیطان بر بشر را از بین برد. و عیسی با کفاره برای گناهان بشر، مردمانی که برده گناه و مرگ بودند را آزاد کرد.

این موضوعات به روشنی در کولسیان ۲: ۱۵ ظاهر می‌شوند که پولس رسول نوشت:

مسیح بر روی آن صلیب تمام قدرت‌های آسمانی و فرمانروایان را خلع سلاح کرد و بر آنها پیروز شد و آنها را پیش همه رسوا ساخت (کولسیان ۲: ۱۵، ترجمه شریف).

وقتی عیسی قوم خود را با مرگ روی صلیب، از تسلط گناه آزاد کرد، نیروها و قدرت‌های شیطانی موقعیت برتر خود را از دست دادند.

در پرتو این مسئله، نباید جای تعجب باشد که در افسسیان ۴: ۸، قیام و صعود مسیح به عنوان غنیمت گرفتن خدمتگزاران بشری شیطان توصیف شده است:

چون او به اعلی‌ترین صعود نمود، اسیری را به اسیری برد و بخشش‌ها به مردم داد (افسیان ۴: ۸).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، وقتی مردان و زنان به مسیح ایمان می‌آورند، مانند این است که مسیح آنها را از پادشاهی شیطان به غنیمت می‌گیرد.

این راهبرد برای شکست مخالفان روحانی خدا در عمل آغازگر رسولان مسیح در کتاب اعمال نیز به چشم می‌خورد. رسولان با پیروی از نمونه عیسی، بارها با موعظه انجیل در میان ملت‌های غیر یهودی، دیوها را اخراج کردند و تملک بسیاری از خدمتگزاران انسانی شیطان را از او بازپس گرفتند.

جای تعجب نیست که وقتی تداوم پادشاهی مسیح در سرتاسر تاریخ کلیسا را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که پیروان مسیح می‌باید همین راهبرد که در تاسیس توسط مسیح استفاده شد را دنبال کنند. به جای اینکه بر دشمنان انسانی خدا پیروز شویم، باید توجه خود را معطوف ارواح شریری کنیم که با طرق خدا مخالفت می‌کنند.

اگرچه بسیاری از مسیحیان امروزی از درک این موضوع قاصر هستند، الاهیات پادشاهی عهد جدید مکرراً به ما یادآوری می‌کند که کلیسای عیسی در جنگ با مردم نیست، بلکه با شیطان و ارواح شریر دیگر می‌جنگد. و این مسئولیت ماست که با این دشمنان روحانی خدا بجنگیم.

به همین دلیل است که در متونی مانند افسسیان ۶: ۱۱-۱۲، عهد جدید دشواری‌ها و کشمکش‌های ما را به عنوان درگیری با ارواح شریر تفسیر می‌کند. در این متن می‌خوانیم:

اسلحه تمام خدا را بیوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید. زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی (افسیسیان ۶: ۱۱-۱۲).

اکثر اوقات، مسیحیان امروزی تصور می‌کنند کشمکش‌های زندگی آنها صرفاً در اثر درگیری با انسان‌ها است. اما در اینجا می‌بینیم کشمکش‌هایی که کلیسا با آنها روبرو است، در اصل با «ریاست‌ها»، «قدرت‌ها»، «جهان‌داران این ظلمت»، و «با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی» است. و با پوشیدن زره کامل خدا قادر خواهیم بود تا این موجودات روحانی مخالف پادشاهی خدا را خلع سلاح کنیم.

این متن در تاکید خود بر جنگ روحانی به عنوان بُعدی از پادشاهی مسیح در سراسر تاریخ مسیحیت، غیر معمول نیست. تضاد دائمی که ما با شیطان و ارواح شریر دیگر تجربه می‌کنیم، در متون بسیاری مانند افسسیان ۴: ۲۷؛ اول تیموتائوس ۳: ۷؛ دوم تیموتائوس ۲: ۲۶؛ یعقوب ۴: ۷؛ اول پطرس ۵: ۸؛ اول یوحنا ۳: ۸؛ و یهودا ۹ یافت می‌شود. اما در عین حال، همانطور که در دوم قرنتیان ۵: ۲۰ می‌خوانیم، می‌باید رحمت خدا را به دشمنان انسانی او نشان دهیم.

برای مسیح ایلچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کند. پس به خاطر مسیح استدعا می‌کنیم که با خدا مصالحه کنید (دوم قرنتیان ۵: ۲۰).

با پیروی از نمونه پاولس به عنوان «ایلچی مسیح»، ما نمایندگان پادشاهی خدا، به شکست دشمنان روحانی خدا با جستجوی آشتی بین خدا و دشمنان انسانی او ادامه می‌دهیم.

الاهیات عهد جدید همچنین شکست دشمنان خدا را به تکمیل پادشاهی مسیح مرتبط می‌کند. با اینحال، مهم است دقت کنیم که تغییری چشمگیر در راهبرد مسیح در زمان تکمیل پادشاهی رخ می‌دهد. وقتی مسیح برگردد، دیگر به دشمنان انسانی خدا رحمت نشان نخواهد داد. در عوض، مسیح راهبری جنگی علیه دشمنان روحانی و انسانی خدا را به عهده خواهد گرفت تا شکست مطلق، حذف‌شان از روی زمین، و داوری ابدی‌شان را تحقق ببخشد.

بشنوید که مکاشفه ۱۹: ۱۳-۱۵ چطور شکست دشمنان انسانی خدا در تکمیل پادشاهی را توضیح می‌دهد:

نام او را «کلمه خدا» می‌خوانند. و لشکرهایی که در آسمانند... از عقب او می‌آمدند. و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امت‌ها را بزند (مکاشفه ۱۹: ۱۳-۱۵).

به طریقی مشابه، مکاشفه ۲۰: ۱۰ بازگشت شکوهمند مسیح به عنوان زمان داوری نهایی علیه ارواح شریر و شیطان را به تصویر می‌کشد:

و ابلیس که ایشان را گمراه می‌کند، به دریاچه آتش و کبریت انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا ابدالآباد شبانه روز عذاب خواهند کشید (مکاشفه ۲۰: ۱۰).

البته ما فقط به طور مختصر این موارد را خلاصه کرده‌ایم. اما از این نمونه‌ها می‌توانیم ببینیم که نویسندگان عهد جدید احساس کردند ضروری است که این جنبه از پیروزی پادشاهی را بارها و بارها توضیح دهند. آنها بر اولویت نبرد با ارواح شریر و مهربانی با دشمنان انسانی خدا در طول تاسیس و تداوم پادشاهی تأکید کردند. اما آنها همچنین اشاره کردند که در پایان، وقتی مسیح برگردد، هم دشمنان انسانی و هم دشمنان روحانی هر دو تحت داوری ابدی خدا خواهند آمد. این تأکیدات تأیید می‌کنند که شکست دشمنان خدا یکی از ویژگی‌های اساسی الاهیات پادشاهی عهد جدید است.

پادشاهی آغاز شده، اینجاست، اما هنوز راه خودش را طی می‌کند، راه خودش را شکل می‌دهد تا زمان تکمیل. بنابراین، از بعضی طریق، سوالی که بعداً پیش می‌آید این است که آیا عیسی همین الان بر دشمنانش پیروز شده؟ خُب، پیش از هر چیز، اساسی‌ترین پیروزی بر روی خودِ صلیب است که او شیطان را شکست داد... از این نظر، نبرد مهم انجام شده و پیروزی به دست آمده است. و به همین دلیل است که، برای مثال، در مکاشفه باب ۱۲، مقدسین به مدعی برادران جواب می‌دهند، با خون بره بر او پیروز می‌شوند. آنها بر شیطان پیروز می‌شوند — که به طور استعاره‌ای در باب ۱۲ مکاشفه توصیف شده — آنها با خون بره بر او پیروز می‌شوند. و، بنابراین، پیروزی در این نبرد از پیش رخ داده است. اما مانند هیتلر در اواخر جنگ جهانی دوم، وقتی می‌توانست ببیند که جنگ رو به اتمام است، باز هم پا پس نکشید. او پر از خشم بود چون می‌دانست که زمانش کوتاه است. این چیزی است که دربارهٔ شیطان هم می‌توانیم بگوییم. بنابراین، شیطان الان کینه‌جوتر است و هر بار که انجیل پیش می‌رود، مردم بیشتری ایمان می‌آورند، عدالت در زندگی افراد، کلیساهای محلی، هر نوع خرده فرهنگ، برقرار می‌شود، این شکستی متداوم برای شیطان و همهٔ آنانی است که تاریکی را دوست دارند. مسیر غایی به سمت پیروزی نهایی، زمانی است که پادشاهی این جهان، پادشاهی خدای ما و مسیح او می‌شود و او تا ابد سلطنت خواهد کرد... نکته این است که مسیر مشخص شده تا، همانطور که فیلیپیان باب ۲ می‌گوید، هر زانویی خم می‌شود، هر زبانی اعتراف خواهد کرد که عیسی خداوند

است، و پیروزی بنیادین به دست آمده است. این چیزی است که هنوز باید از بعضی جهات رخ بدهد. در زندگی خیلی‌ها که شادمانه و با قوت روح‌القدس زانو می‌زنند اتفاق افتاده است. اما در روز آخر همه زانوها خم می‌شوند.
- دکتر دی. ای. کارسون

حال که دیدیم پیروزی سه‌لایه پادشاهی خدا چگونه شامل شکست دشمنان خدا می‌شود، باید اشاره کنیم که چطور انتقال قوم خدا نیز نقشی اساسی در الاهیات عهد جدید ایفا می‌کند.

انتقال

اگر یک وجه از تاسیس پادشاهی وجود داشته باشد که برای اکثر خوانندگان برجسته باشد، آن وجه نجات قوم خدا و انتقال‌شان به برکات پادشاهی است. برای نمونه، یکی از دلایلی که اناجیل توجه زیادی را به معجزات عیسی معطوف می‌کنند این است که معجزات، نشان‌دهنده برکات پادشاهی هستند که عیسی به زمین آورد. معجزات عیسی نوبرانه‌های موقت از برکات پادشاهی بودند که قوم خدا در عصر آینده، به طور ابدی از آنها لذت می‌بردند. علاوه بر این، توجه عیسی به عدالت اجتماعی برای فقیران، نیازمندان، و آنانی که به دست دیگران رنج می‌کشیدند نیز نشان‌دهنده برکات مهم پادشاهی بودند.

معجزات و عدالت اجتماعی عیسی و رسولان و انبیایش، برکات شگفت‌آوری بودند. اما عالی‌ترین برکت در تاسیس پادشاهی خدا، هدیه نجات ابدی بود که مسیح به هرآنکه ایمان آورد بخشید.
به همین دلیل است که پولس در کولسیان ۱: ۱۳-۱۴ دریافت نجات در مسیح را به عنوان انتقال از یک پادشاهی به پادشاهی دیگر توصیف کرد:

و ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت، که در وی فدیة خود یعنی آمرزش گناهان خویش را یافته‌ایم (کولسیان ۱: ۱۳-۱۴).

مضمون انتقال همچنین به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چرا عهد جدید تاکید زیادی بر کار روح‌القدس دارد. با پایان خدمت رسولانی، نزول روح‌القدس بر پیروان مسیح یکی از برکات جهان آینده بود که به هر یک از ایمانداران بخشیده شد. همانطور که در دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲ می‌خوانیم:

او که ما را با شما در مسیح استوار می‌گرداند و ما را مسح نموده است، خداست. که او نیز ما را مهر نموده و بیعانه روح را در دل‌های ما عطا کرده است (دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲).

این متن همسویی نزدیکی با افسسیان ۱: ۱۴ دارد. هر دو متن نشان می‌دهند که روح‌القدس، مهر مالکیت مسیح بر ماست. او بیعانه و تضمین آنچه است که در آینده رخ خواهد داد. به عبارت دیگر، روح‌القدس، قدرت خدا در زندگی امروز ما، پیش‌پرداخت میراث عظیمی است که پیروان مسیح در بازگشت پر جلال او دریافت خواهند کرد. عهد جدید همچنین به انتقال قوم خدا در طی دورهٔ تداوم پادشاهی مسیح می‌پردازد. نویسندگان عهد جدید پیروان مسیح را تشویق کردند تا در زندگی روزمرهٔ کلیسا به یاد داشته باشند که چطور خدا آنها را هم‌اکنون به برکات پادشاهی خود انتقال داده است. الاهیات عهد جدید تاکید می‌کند که نه تنها خدا ما را از داوری گناهان مان نجات داده است، بلکه خدا به بخشش هدیهٔ روح‌القدس به کلیسای خود ادامه می‌دهد. برای مثال، به اول قرنتیان ۴: ۲۰ گوش کنید:

زیرا ملکوت خدا به زبان نیست بلکه در قوت است (اول قرنتیان ۴: ۲۰).

در اینجا، مانند بسیاری از بخش‌های دیگر، قوتی که پولس در ذهن داشت، قوت روح‌القدس بود. روح خدا واقعیت شگفت‌انگیز برکات خدا برای قومش است که ما هر روزه تجربه می‌کنیم. او ما را تقدیس می‌کند، میوهٔ خود را در زندگی ما به ثمر می‌نشانند، ما را از شادی پر می‌کند، و با قدرت خود ما را در برابر دشمنان مان توان می‌بخشد. علیرغم اینکه شاخه‌های بسیاری از مسیحیت امروزه نقش روح‌القدس در زندگی ایمانداران را تقلیل می‌دهند، او بزرگترین برکت ما در طی دورهٔ تداوم پادشاهی مسیح است. الاهیات عهد جدید همچنین پیروان مسیح را که در طی دورهٔ تداوم پادشاهی او زندگی می‌کنند تشویق می‌کند تا امیدشان به برکاتی حتی عظیم‌تر در پادشاهی آینده ثابت نگه دارند. عبرانیان ۱۲: ۲۸ پیروان مسیح را فرا می‌خواند تا با توجه به برکات پادشاهی‌ای که در پیش است، وفادار باشند:

خدا را برای آن پادشاهی تزلزل‌ناپذیری که او به ما می‌دهد سپاس گوئیم و او را آن طور که مقبول اوست عبادت نماییم، یعنی با خوف و احترام (عبرانیان ۱۲: ۲۸، ترجمهٔ شریف).

و در یعقوب ۲: ۵ می‌خوانیم:

مگر خدا فقیران این جهان را بر نگزیده است تا در ایمان دولتمند و وارث آن ملکوتی باشند که او به دوستداران خود وعده داده است؟ (یعقوب ۲: ۵، ترجمهٔ شریف).

یعقوب کلیسا را فراخواند تا از تبعیض نشان دادن نسبت به ثروتمندان دست بردارند چون این آنها نیستند که پادشاهی را دریافت می‌کنند. بلکه، آنانی که در «ایمان دولتمند» هستند و «دوستدار او»، وارث ملکوتی هستند او وعده داده است.

وقتی عیسی پادشاهی را تاسیس کرد، قوم خود را به برکات پادشاهی انتقال داد. و برکات پادشاهی او در طول تاریخ در حیات کلیسا ادامه یافته است. اما کلام خدا تعلیم می‌دهد که انتقال کامل قوم خدا به برکات پادشاهی خدا تا زمان تکمیل نهایی پادشاهی اتفاق نخواهد افتاد. در تکمیل پادشاهی، قوم خدا تمام برکات پادشاهی که او وعده داده است را تجربه خواهند کرد. همانطور که در مکاشفه ۱۱: ۱۵ می‌خوانیم:

سلطنت جهان از آن خداوندِ ما و مسیح او شد و تا ابدالآباد حکمرانی خواهد کرد (مکاشفه ۱۱: ۱۵).

وقتی مسیح برگردد، پادشاهی دنیا کاملاً با پادشاهی پیروزمند خدا جایگزین می‌شود.
و به مکاشفه ۵: ۹-۱۰ گوش کنید که موجودات آسمانی سرود ستایش مسیح را می‌خوانند:

مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد (مکاشفه ۵: ۹-۱۰).

در تکمیل پادشاهی، قوم خدا نجات می‌یابند تا «پادشاهی کاهنان» شوند و «بر زمین سلطنت خواهند کرد».

وقتی دربارهٔ این فکر می‌کنیم که عیسی باز خواهد گشت و برندهٔ پیروزی نهایی خود خواهد شد، نمی‌خواهیم صرفاً به این فکر کنیم که عیسی بر دشمنان خود غلبه می‌کند، چیزی که فرانسوی‌ها آن را فورس ماژور می‌نامند، یعنی اعمال قدرت صرف. مکاشفه دربارهٔ شمشیری صحبت می‌کند که از دهان عیسی بیرون می‌آید و آن بدون شک، شمشیر کلام است، شمشیر عدالت است، که داوری نهایی بیش از هر چیزی مربوط به مواجهه است. و به همین ترتیب برای مقدسین، بخصوص در زمینهٔ عهد جدید، اثبات بی‌گناهی یکی از مضامین اصلی است. آنها به مسیح ایمان آورده‌اند، و طرف دیگر صورت‌شان را برگردانده‌اند، و دشمنان‌شان را محبت کرده‌اند و همهٔ اینها، در حالیکه دنیا می‌گوید این حماقت محض است. بنابراین، در داوری همه چیز روشن می‌شود، همه چیز شفاف می‌شود؛ حقیقت

بیرون خواهد آمد، و آن خبر خوشی برای مقدسین و خبر بدی برای شریران خواهد بود؛ که شرارت آنها دقیقاً در مقاومت در برابر عیسی و پیام اوست.

– دکتر شان مک‌دانا

همانطور که می‌توانیم ببینیم، نویسندگان عهد جدید توجهات را معطوف شکست دشمنان خدا و انتقال قوم او به برکات پادشاهی در تمام مراحل کار مسیحایی عیسی نمودند. اگرچه ممکن است این عناصر در ابتدا گسسته به نظر برسند، اما به هم پیوسته‌اند و در الاهیات عهد جدید بر آنها تاکید شده چون نشان‌دهنده مضمونی اساسی هستند: فرا رسیدن پیروزی برای پادشاهی خدا در مسیح.

نتیجه‌گیری

در این درس به اهمیت پادشاهی خدا در الاهیات عهد جدید نگاه کردیم. پادشاهی خدا به جای آنکه یک تعلیم جزئی یا حاشیه‌ای باشد، محور آنچه نویسندگان عهد جدید تعلیم دادند را شکل می‌دهد. ما به بررسی این موضوع پرداختیم که چطور این موضوع درباره خبر خوش پادشاهی صدق می‌کند. و همچنین دیدیم که الاهیات عهد جدید چطور بر فرا رسیدن پادشاهی خدا در تاسیس، تداوم، و تکمیل پادشاهی مسیح تمرکز دارد. همانطور که دیدیم، بزرگنمایی نیست که بگوییم ایمان عهد جدید تماماً درباره پادشاهی خداست. الاهیات عهد جدید بر خبر خوش پیروزی پادشاهی خدا تاکید دارد و اینکه چطور این پیروزی در سه مرحله پادشاهی مسیح فرا رسیده، می‌رسد، و خواهد رسید. این مفاهیم اساسی پادشاهی نشان‌دهنده برخی از مهم‌ترین مضامین عهد جدید هستند. به خاطر داشتن آنها درک ما از الاهیات عهد جدید را تا حد زیادی تقویت می‌کند. و ما معنای جدیدی در تعالیم عهد جدید پیدا می‌کنیم. بدون شک، مضمون پادشاهی خدا در مسیح هر جنبه‌ای از الاهیات عهد جدید را تحت تاثیر قرار می‌دهد.